

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره دهم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۸۱-۲۰۶

مبانی قرآنی اندیشه های سیاسی امام خامنه ای

احمد پارسا منش*

چکیده

مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای، به عنوان اندیشمندی مسلمان و رهبری دینی سیاسی، منظومه فکری منسجمی دارند و با نگاهی منحصر به فرد و منبعث از مبانی و آموزه های وحیانی، به رویدادها و مسائل ملی و بین المللی می نگرند. نگرش و تحلیلی که همواره معادلات جهانی را تغییر داده است. هدف این نوشتار تبیین مبانی قرآنی اندیشه های سیاسی امام خامنه ای با رجوع به قرآن و تفسیر و مقایسه و تطبیق این دیدگاهها با آیات قرآن است. در این مقاله برای جمع آوری اطلاعات از روش اسنادی و مدارکی و تحلیل داده ها از روش تحلیلی توصیفی بهره گرفته شده است. یافته ها نشان می دهد، مؤلفه های اندیشه سیاسی امام خامنه ای در حوزه حکومت و سیاست خارجی کاملاً متأثر از آموزه های قرآنی است و مؤید این حقیقت است که التزام به تعالیم اسلام در مقام اندیشه و عمل همواره موجب عزت، اقتدار و سعادت مندی است.

واژگان کلیدی: مبانی قرآنی، اندیشه سیاسی، امام خامنه ای.

* طلبه سطح دو حوزه علمیه قم، فارغ التحصیل سطح دو حقوق و قضا از موسسه حقوق و قضای اسلامی قم، فعال فرهنگی ایمیل: ahmadparsamnsh939@gmail.com

مقدمه

در جهان امروز سیاست و مسائل سیاسی از اهمیت و گستره ویژه ای دارد، به گونه ای که بر بسیاری از مسائل اقتصادی - فرهنگی و مذهبی در سطح خرد و کلان اثر می گذارد. اسلام، دینی جامع و کامل است که افزون بر عرصه های فردی عرصه های گوناگون اجتماعی از جمله سیاست را در برمی گیرد. این ویژگی، اسلام را از دیگر ادیان در تشکیل حکومت و اجرای دین در سطح وسیع اجتماعی متمایز کرده است. در زمان کنونی، تمدن اسلام به عنوان اصلی ترین و جدی ترین رقیب ایدئولوژیک نظام لیبرالیستی غرب است که می توان تبلور آن را در تشکیل حکومت اسلامی آن هنگام که هنگام دین و خدا به حاشیه حیات انسانی کشیده و حتی از آن حذف شده بود، دید. تمدن نوین غرب یک مبنا و مدل معرفتی دارد که برای تحقق آن نیز یک مدل اجرایی و خارجی تعریف کرده است. دست آورد تمدن غرب برای افراد بشر، نظام اومانیستی (انسان گرایی) است که برای عملی ساختن آن قالب دمکراسی را برگزیده است. ایران اسلامی، برای مبارزه با تمدن غربی انقلاب اسلامی مبتنی بر خداگرایی و تئوری ولایت فقیه، را معرفی کرده است. در میدان مبارزه های اسلامی همواره عالمان دین نقش مؤثر و بی بدیلی داشته اند، به گونه ای که در طول تاریخ تشیع، اینان همواره بزرگ ترین مانع در برابر استعمارگران و حامی مردم و مستضعفان بوده اند. در انقلاب اسلامی ایران نیز روحانیان به ویژه حضرت امام خمینی رحمه الله نقش عظیم و شگرفی در ایجاد، هدایت و بازتولید انقلاب داشتند. در میان انقلابیون، حضرت آیت الله خامنه ای یار دیرین و فداکار انقلاب بود که همواره برای پیروزی انقلاب صادقانه می کوشید. بدون شک حضور موفق در عرصه سیاسی و هدایت یک انقلاب نوپا در راه کمال و ترقی همه جانبه با وجود دشمنان گوناگون داخلی و خارجی، بر اساس یک مدل نظری و عملی قوی و منسجم ممکن است. به این ترتیب، بررسی تطبیقی نظریه های سیاسی رهبر انقلاب که تا حد زیادی نشان گر مبنای انسان شناسی، معرفت شناسی و هستی شناسی ایشان در عرصه سیاست است، جایگاه روحانیان در نظام و رمز موفقیت آن را نشان خواهد داد. تبلور اندیشه های سیاسی رهبر معظم انقلاب را باید در نگرش اساسی ایشان به دو مسئله مهم قدرت و عدالت جست و جو کرد. در این میان، نباید تبیین مردم سالاری دینی بر اساس ولایت فقیه را که از مهم ترین نظریه های سیاسی انقلاب است، فراموش کرد. این نوشتار در صدد است مبانی قرآنی حاکم بر اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری را با رجوع به قرآن و تفسیر و دیدگاههای معظم له، مورد بررسی و تطبیق قرار دهد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مبانی قرآنی

لغت شناسان، مبانی را جمع مبنی و از ریشه «ب ن ی» و به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه، زیر ساخت و ریشه دانسته اند (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ۱۱۲). آنان این واژگان را با کلماتی همچون اصل، قاعده، ضابطه، مترادف شمرده اند. مصطفوی در التحقیق، پس از گزارش سخنان اهل لغت درباره مبانی می نویسد: «معنای اصلی این واژه، ضمیمه سازی اجزاء، مواد و عناصر خاص به یکدیگر برای پیدایش ساختار ویژه با کیفیت و هیئت خاص است، تفاوت ندارد که آن ساختار، مادی باشد یا معنوی» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ۳۴۴). مبانی می تواند متعدد مانند مبانی عقلی، مبانی روایی، مبانی تاریخی، مبانی قرآنی، مبانی تجربی و غیره باشد که پژوهش حاضر، به دنبال مبانی قرآنی است. مراد از مبانی قرآنی پایه ها، شالوده ها و زیر ساخت هایی است که موضوعی بر آن استوار است، وقتی می گوئیم مبانی قرآنی اندیشه های سیاسی، منظور آن است که این نوع اندیشه، بر پایه ها و زیر ساختهای قرآنی استوار بوده که با یافتن آنها، ضرورت و ریشه های آن بر همگان ملموس خواهد شد.

۱-۲. اندیشه سیاسی

با وجود استعمال و کاربرد زیاد اصطلاح «اندیشه سیاسی»، متفکران سیاسی کمتر به توضیح آن پرداخته اند. در تعاریف ارائه شده نیز، اختلاف نظرهایی وجود دارد (اشتراوس، ۱۳۷۳، ۵-۴)، (رده، ۱۳۷۳، ۱۱)، (بشیری، ۱۳۷۶، ۱۶-۱۷). مفهوم مورد نظر از واژه «اندیشه سیاسی» تا حدی تعریف عام استنباط شده از عبارت لئو اشتراوس است (اشتراوس، ۱۳۷۳، ۵-۴) همچنان که برخی محققان و نویسندگان مفهوم عام را از عبارات مذکور دریافته اند (رجایی، ۱۳۷۳، ۱-۴)، (باقری، ۱۳۸۸، ۲۵)، (حقیقت، ۱۳۸۳، ۲۹۴-۲۹۵). بر این اساس، اندیشه سیاسی را چنین تعریف می کنیم: «مجموعه تأملات انجام شده از سوی یک اندیشمند یا گزاره های ارائه شده از سوی یک مکتب، در عرصه اصول اساسی سیاست». مطابق این تعریف، آنچه در صدق اندیشه سیاسی اهمیت دارد سه نکته است: ۱) مجموعه تفکر و گزاره باشد، نه تفکر موردی و تک گزاره ای بسیار محدود. ۲) تفکر و گزاره در عرصه اصول اساسی سیاست باشد، نه آنکه مربوط به حوادث جزئی سیاسی و ارائه تحلیل در این حوزه باشد. ۳) اندیشه ورزی - نه از سوی یک فرد عادی، بلکه - از سوی یک مکتب یا متفکر مصطلح (که در عرف و مقام استعمال، عنوان متفکر و اندیشمند بر او صدق کند)، صورت

گیرد. تعریف و تفسیر مختار از اصطلاح «اندیشه سیاسی»، مطابق ارتکاز ذهنی و استنباط و فهم عمومی است (جوادی زاده، ۱۳۹۳، ۱۲۹-۱۳۰).

۲- مبانی قرآنی سیاست داخلی

حکومت اسلامی، حکومتی است که علاوه بر آن که همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام اسلام است مجریان آن نیز مستقیماً از طرف خدا منصوبند یا به اذن خاص یا عام معصوم (ع). موضوع حکومت اسلامی و ولایت فقیه از دیر زمان مورد بحث اندیشمندان و فقهای اسلامی بوده است و شاید بتوان گفت زمان آن به دوران صدر اسلام بر می گردد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این مسئله به طور جدی در سطح جهانی مورد توجه واقع شد و در این زمینه از طرف صاحب نظران بحث های مدونی صورت گرفت. بررسی آیات مربوط به احکام و ابعاد حکومت نشان می دهد که برپایی حکومت در جامعه اسلامی امری است که نیازی به اثبات ندارد و هیچ تردیدی هم در آن وجود ندارد زیرا اجرای احکام متوقف بر وجود حکومت است و یا بیان گر تکلیف مردم (همتی، ۱۳۷۳، ۳۸). به عنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد: وجوب اطاعت از ولی امر، وجوب اجرای حدود، وجوب تهیه و تدارک قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا و همچنین احکام مربوط به قضاوت، این نمونه ها نشانگر این است که برپایی حکومت اسلامی در جامعه جز ضروریات عقلی است و با توجه به اینکه حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی نظمی امور مسلمانان نزد خدا و خالق امری قبیح است و روشن است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی پذیرد، لذا هیچ شک و شبهه ای در وجوب اقامه حکومت باقی نمی ماند (امام خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۴۶۱). مقام معظم رهبری، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را آیه ۶۴ سوره نساء می دانند و همواره در بیاناتی به مناسبت های گوناگون و خطاب به افشار مختلف جامعه، در تفسیر و توضیح این آیه و دفاع از مشروعیت و ضرورت حکومت اسلامی فرموده اند: «یک مثال دیگری که از اینها به نظر من مهم تر است این آیه شریفه «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» است، اصلاً ارسال رسل برای این است که مورد اطاعت قرار بگیرند، این اطاعت مطلق است یعنی در همه امور زندگی که معنای مستفاد از آیه این است که زندگی مردم چه زندگی شخصی، خصوصی چه زندگی عمومی، باید به وسیله دین اداره بشود. حالا البته بعضی این را ممکن است فقط منحصر کنند به مسائل شخصی مثل نماز، روزه و مانند اینها، این جور نیست، اولاً به دلیل اطلاق خود آیه، ثانیاً به دلیل آیات دیگر، مثل اینکه می فرماید: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا» خب این قَاتَلَ بَارِبِّيُونَ كَثِيرًا که

کار شخصی نیست، کار اجتماعی است، کار عمومی است، کارحکومتی است، این آیه چنین مستفادی دارد».(دیداراعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۰۴، <https://khl.ink/f/47396>). از منظر علامه طباطبایی: «خدای تعالی رسول (ص) را نفرستاده مگر برای همین که اطاعت بشود... و در این وجوب اطاعت هیچ قید و شرطی نیاورده، پس معلوم می شود اطاعت از رسول خدا (ص) کردن، آن هم به طور مطلق، همان اطاعت خدا کردن است، چون خود خدا دستور داده رسول را اطاعت کنید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ۶۴۵). «... قرآن اعلام می کند که پیغمبران را فرستادیم برای اینکه مردم از اینها اطاعت کنند، خب در چه چیزی اطاعت کنند؟ ... صدها آیه قرآن این موضوع را بیان می کند، مثلاً آیات جهاد، آیات مربوط به اقامه قسط، آیات مربوط به حدود و مجازاتها، آیات مربوط به معاملات و قراردادهای و... تا آخر، اینها یعنی حکومت... در اینها باید از پیغمبر اطاعت بشود، این یعنی حکومت، معنای حکومت غیر از این نیست، حاکمیت اسلام با این وضوح درقرآن منعکس و روشن است(بیانات درسرخنرانی تلویزیونی، <https://khl.ink/f/47991>، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴).

۲-۱- اهداف تشکیل حکومت اسلامی

در دیدگاه امام خامنه ای، یکی از این اهداف اصلی، ایجاد جامعه عادلانه است (دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸، <https://khl.ink/f/3289>).

الف (ایجاد عدالت اجتماعی

عدالت در مقابل ظلم است، خداوند حکومت و ولایت ظالمین را نمی پذیرد، پس حاکم و ولی باید عادل باشد. فرمود: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ». (هود، ۱۱۳) «و به ستمگران تمایل و تکیه نکند که آتش عذاب شما را فرا می گیرد و در این صورت برای شما در برابر خداوند هیچ دوست و سرپرستی نیست پس از هیچ ناحیه ای مورد کمک قرار نخواهید گرفت» و این رکون در روایات به رکون دوستی و اطاعت تفسیر شده است. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۳۳۸). قیام به قسط و اقامه عدل، از اهداف بنیادین بعثت انبیاء است و تشکیل حکومت پلی است برای رسیدن به این هدف. قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»، همانا خدا به شما امر می کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید، همانا خدا شما را پند نیکو می دهد» (نساء، ۵۸). البته ایشان در جای دیگری عدل را جزء اهداف میانی بر شمرده اند و می فرمایند:

«قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف، میانی است، هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان» (بیانات در نشست اندیشه های راهبردی، ۱۰/۰۹/۱۳۸۹، <https://khl.ink/f/10664>). معظم له از رستگاری انسانها تعبیر به حیات طیبه می کنند که ریشه ای قرآنی دارد. از نظر ایشان، وقتی یک ملت، هم از نظر مادی و زندگی روزمره، برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند حیات طیبه محقق شده است که ثمره و هدف نهایی انقلاب است (دیدار مردم ساری، ۲۲/۰۷/۱۳۷۴، <https://khl.ink/f/2770>). با تدبر در آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، «هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آورد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می کردند به آن عطا می کنیم» در می یابیم که حیات معنوی و طیب مختص آخرت نیست بلکه با تحقق شرایط در همین عالم حاصل می شود؛ زیرا آنجا که ایمان و عمل صالح از امور معنوی هستند که در همین عالم تحقق می یابد، به ناچار حیات طیبه مترتب بر ایمان و عمل صالح نیز در همین عالم محقق می شود، البته آثار این حیات معنوی در آخرت ظهور می باید، چون آنچه خداوند از نعمتهای معنوی به بندگانش در آخرت عطا می کند، نتایج نعمتهای معنوی عطا شده او در همین دنیا است، چنانکه ذیل آیه کریمه که سخن از جزای نیکوتر از عمل در آخرت را مطرح نموده است، مؤید این بیان می باشد (سعادت پرور، ۱۳۷۴، ج ۱، ۴۰۶-۴۰۷). امام خمینی در این باره می فرماید: «اگر کسی با عمل توانست این قیود را بشکند و عمل ها را به عمل صالح واحد برگرداند و او را به ورد واحد ارجاع دهد، «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»، خدا می فرماید: «این عامل به عمل صالح را به زندگی طیب و طاهر زنده می کنیم، نه اینکه گمان کنی چنین کسی در این عالم در زندگی طیب و طاهر نیست، بلکه اگر عمل صالح شد، در این عالم زندگی طیب و طاهر پیدا می کند» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۴۶۵). صاحب این حیات طیب، مستغرق در نعمتهای معنوی است، حقایق را می بیند و در خود عزت و کرامت می یابد، چون به معدن عظمت متصل شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۱۶۲-۱۶۳). حیات طیبه، نشئت گرفته از روحی جدید در انسان است، این روح گرچه از حیث نو پدید می آید اما جدید است، لکن در واقع مرتبه فائده روح است که با فراهم شدن بستر مناسب به اذن الهی پدیدار شده است. این بعد شکوفا شده منشأ پیدایش حیاتی معنوی و متعالی (حیات طیبه) در انسان می گردد. (حاجی صادقی، و بخشیان، ۱۳۹۳، ۱۸۲).

ب) تشکیل حکومت مقتدر

توانایی و شایستگی در اداره امور جامعه که از آن به مدیر و مدبر بودن نیز تعبیر می شود. حضرت یوسف فرمود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف، ۵۵) «گفت مرا بر خزانه های این سرزمین (مصر) بگمار، زیرا که من نگهبانی دانا هستم». از این آیه و سایر آیات مشابه قرآن فهمیده می شود اگر کسی کاری و پستی را به عهده می گیرد باید توانایی و صلاحیت لازم برای آن را داشته باشد. از مجموع آیاتی که در این موضوعات ذکر شد می توان تصویری کلی از سیمای حاکم از دیدگاه قرآن به دست آورد، در منطق قرآن حکومت و زمامداری تنها شایسته کسانی است که از صلاحیتهای علمی و اخلاقی و توانمندی های لازم برخوردار باشند، به دست آوردن این تصویر در زمان غیبت امام معصوم (ع) بر ولایت مطلقه فقیه تطبیق می کند، از طرف دیگر حکومت اسلامی، حکومت قانون خداست و حکم کردن به احکام الهی بدون حاکمیت دین شناس و متخصص مستعد در اجرای احکام الهی (فقیه عادل و جامع شرایط امکان پذیر نیست (صدیق، ۱۳۹۱، ۵۴).

۲-۲- مردم سالاری دینی

«در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، نظریه «مردم سالاری دینی» در کنار نظریه ولایت مطلقه فقیه، از جمله نظریات مطرح شده مربوط به حکومت اسلامی در عصر غیبت است. از نظر ایشان حکومت اسلامی در عصر غیبت را می توان نظام مردم سالاری دینی خواند که مشروعیت آن بر سه اصل مبتنی است: ۱- صلاحیتهای دینی، ۲- رضایت و انتخاب مردم ۳- کارآمدی. بر این اساس لازمه مشروعیت هر نظام سیاسی اسلامی، داشتن هم زمان هر سه عنصر مذکور در حکومت است و با زوال هر یک، مشروعیت حکومت نیز از بین خواهد رفت. این نظریه در مقابل نظریات تک عنصری مانند نظریه مشروعیت الهی بلاواسطه حاکم اسلامی و نظریه مشروعیت مردمی نظام اسلامی قرار می گیرد که یکی بر عنصر رأی ملت و دیگری بر صلاحیتهای دینی به تنهایی تأکید می کند» (سعیدی، ۱۳۹۲، ۲۲۴). بر اساس این سه عنصر می توان گفت عنصر اول که صلاحیت دینی است به معیارها و ویژگی هایی بر می گردد که در اسلام برای حاکم اسلامی در نظر گرفته شده است، وجود این معیارها برای حاکم اسلامی ضروری بوده و موجب مشروعیت یابی وی می گردد که مستندات قرآنی آن در مباحث قبلی، بررسی شد. چنان که می توان گفت از نظر معظم له، ولایت فقیه به معنای ولایت و حکومت شخص نیست، حکومت یک معیار و در واقع یک شخصیت است. معیارهایی وجود دارد که این معیارها در هر جایی تحقق یابد، این خصوصیت را

می تواند پیدا کند که در جامعه به وظایفی که برای ولی فقیه معین شده رسیدگی کند... چون اساساً مسئولیت او مبتنی بر معیارهاست چنانچه این معیارها را از دست داد، به خودی خود، ساقط می شود(جلسه با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، <https://khl.ink/f/7571,1377/12/04>). در خصوص عنصر دوم یعنی رأی و خواست ملت، از آنجا که باید روشی قابل دسترسی برای همگان در همه زمانها و مکان ها برای رسیدن به حکومت مطلوب وجود داشته باشد، نه امری که صرفاً در محیط معصومان و زمان آنان امکان تحقق برای رسیدن باشد، لذا اسلام از میان روشهای موجود در جامعه برای کسب قدرت و اعمال آن، مانند غلبه و زور، بیعت را با شرایطی مورد تأیید و امضا قرارداد و آیاتی دال بر آن نازل شد. معصومان نیز به پیروی از قرآن کریم با اینکه از جانب خداوند به ولایت منصوب شده بودند، این روش را تأیید کردند و بر آن پای فشردند و سیره معصومان بر این قرار گرفت که هر گاه حاکمیت آنان از سوی مردم مورد قبول بود به اعمال ولایت و اداره امور می پرداختند و بر این امر اصرار داشتند که رضایت مردم وجود داشته باشد (موسویان، ۱۴۰۰، ۲۰۸). واژه بیعت در سه آیه قرآن به کار رفته است و دست کم در هشت مورد پیامبر اقدام به بیعت کرده اند که به یک مورد از این آیات اشاره می شود: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح، ۱۰) «ای پیامبر، مؤمنانی که با تو [در حدیبه] بیعت کردند، در حقیقت با خدا بیعت کردند، دست خدا بالای دست آنان است، پس از آن هر کس بیعت را نقض کند در حقیقت بر زیان و هلاکت خویش اقدام کرده است و هر کس به عهدهی که با خدا بسته وفا کند به زودی خدا به وی پاداش بزرگ عطا خواهد کرد». از این آیه استفاده می شود که بیعت به خودی خود دارای اهمیت است و این روش مورد تأیید و امضای شارع قرار گرفته است و از آنجا که در طبع این قرارداد هم احتمال وفاداری و هم احتمال پیمان شکنی وجود دارد، لذا به کسانی که بر بیعت خود پایبند هستند اجر عظیم بشارت داده شده است و به طور ضمنی بیعت کسانی را که پیمان خود را با پیامبر بشکنند و به حالت قبل بازگردند بی ارزش اعلام کرده است (منتظری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ۳۰۷). این آیه هم بیعت بر اسلام را شامل می شد زیرا هر کس مسلمان می شد با پیامبر بیعت می کرد و هم بیعت عقبه را در بر می گرفت که مردم یثرب در سالهای ۱۲ و ۱۳ بعثت در عقبه با پیامبر (ص) برای پذیرش اسلام و رهبری رسول اکرم (ص) بر آنان بیعت کردند (موسویان، ۱۴۰۰، ۲۱۲). مقام معظم رهبری، در بیانات خود به نقش مردم در حکومت تأکید دارند و در سخنان مختلف به آن اشاره نموده اند

چنان که ایشان در نفی استفاده از ابزار زور برای رسیدن به قدرت بیان می کنند: «بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است، اگر یک زمامداری بود که مردم با او بیعت نکردند یعنی آن را قبول نکردند، آن زمامدار خانه نشین خواهد شد و مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است (خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۰۳/۲۲، <https://khl.ink/f/21495>). «مشروعیت دادن به رأی و بیعت مردم، این یک اصل اسلامی است» (همان). بر اساس بیانات ایشان می توان گفت در نظام ولایت مطلقه فقیه، مردم نه تنها نادیده گرفته نمی شوند بلکه این حق را دارند که سرنوشت خویش را تعیین نمایند، در سخنانی از ایشان آمده است: «رأی مردم بر اساس کرامت انسان، پیش خدای متعال معتبر است. (دیدار جمعی از دانشجویان قزوین، <https://khl.ink/f/5703>، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶). «در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین قدرت دین، تکیه به مردم است، تا مردم نخواهند تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند دین حاکم نمی شود... در قانون اساسی... همه مراکز قدرت هم مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین کننده و تصمیم گیرنده هستند» (جلسه با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، <https://khl.ink/f/7571>، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴). عنصر سوم؛ یعنی کارآمدی نیز پیوند ولایت مطلقه فقیه با مردم سالاری را مشخص می نماید. در اندیشه مقام معظم رهبری، دولت اسلامی باید ثابت کند که قوانین و برنامه های اسلام برای کشورداری کارآمد است. رهبر انقلاب با تحلیل جامعی از نظام مطلوب مردم سالاری دینی و ذکر مزیت های آن نسبت به دموکراسی های غربی، آن را دولت کریمه دانسته و شرایط تحقق چنین دولتی را عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذ ناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گرانقدر انقلاب و بیان آرمانها و حرف های نو برای جامعه بشری از جمله مردم سالاری دینی اعلام داشته و با تأکید بر لزوم کارآمدی دولت معتقدند که باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد. (شفیعی و نیک بین، ۱۳۹۴، ۸۱). نگاه مقام معظم رهبری به مقوله کارآمدی نظام بسیار اساسی است تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می داند و بین مشروعیت و کارآمدی پیوند برقرار می کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان، مشروعیت همه مسئولان کشور را به کارآمدی آنان در انجام دادن وظایف قانونی وابسته دانستند و تأکید کردند ضمن استقامت کامل در اهداف و مبانی، با اصلاح، تغییر و تکامل روشها، حرکت به سوی اهداف پیش بینی شده را با عزمی راسخ ادامه می دهیم... از هیچ کس انتظار معجزه نمی رود اما در عملکرد همه مسئولان

باید کارآمدی و نشانه های موفقیت در انجام دادن وظایف محوله آشکار و ملموس باشد (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱، <https://khl.ink/f/3250.1383/06/31>). توقع مردم از مسئولان در هر رده ای این است که به مسئولیتهای خود عمل کنند و آنچه به عنوان وظیفه بر عهده آنان است انجام دهند. کارآمدی حکومت به این معناست. اگر مردم این کارآمدی را در مسئولان کشور مشاهده کنند اعتقادشان به آنها و به نظام اسلامی و اسلام روز به روز بیشتر خواهد شد. (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳، <https://khl.ink/f/8869.1381/12/13>).

۳. مبانی قرآنی سیاست خارجی

در بحث سیاست خارجی، آن رفتاری از منظر قرآن کریم و سیره ائمه معصومین (ع) و به تبع آن چارچوب اندیشه مقام معظم رهبری، مصلحت است که آنچه به مصلحت اسلام است همان است که بر خاسته از حکمت و هم راستا با حصول عزت برای اسلام و مسلمین است. مصلحت مورد نظر جمهوری اسلامی ایران، مفهومی پنهان شده در قالب منفعت ایران نیست، بلکه مفهومی است که در صورت عملیاتی شدن، منافع آن تمام جهان و به خصوص کشورهای مظلوم را نیز پوشش می دهد، چرا که برآمده از دین مبین اسلام است. و دین اسلام اختصاص به گروه و کشور خاصی ندارد. لذا سیاست خارجی که در این مسیر حرکت کند اگر با عزت در مجامع بین المللی حاضر شود و همواره به داشته های خود به چشم افتخار نگرد و سروری هیچ گروهی را نپذیرد با عنایت به همین اقتدار و عزت نفس و با توسل به هنر دیپلماسی عمومی و غیر عمومی، بتواند مواضع طرفهای مقابل را به دیدگاه خود نزدیک کند آنگاه می تواند مصالح مورد نظر خود که مصالح دنیا و آخرت است را پیاده سازد. درست از منظر همین پیوستگی است که مقام معظم رهبری، عزت، حکمت و مصلحت را چونان مثلثی الزام آور در عرصه سیاست خارجی معرفی نمود. در این مبحث مصادیق سیاست خارجی از دیدگاه امام خامنه ای و مبانی قرآنی آن بررسی می شود.

۳-۱- نفی نظام سلطه (نفی سبیل)

یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی حکومت اسلامی و روابط بین المللی آن در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی و... قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه است که در قرآن به آن تصریح شده است: «...وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) «خداوند هرگز راهی برای سلطه کفار بر مسلمین قرار نداده است»، و در صورت اجرا شدن، راه هر گونه سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و غیره دشمن را می بندد. در تفسیر المیزان آمده است:

«معنایش [معنای این آیه] این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی شود و این خود اعلامی است به منافقین که دیگر برای ابد از اینکه به هدف شوم خود برسند مأیوس باشند و به حکم این آیه در همه دوره ها بالاخره فتح و فیروزی از آن مؤمنین و علیه کافران خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۱۸۹). امام خامنه ای در این ارتباط می فرماید: «اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی، اجازه نمی دهد که یک ملت و توانایی هایش سرکوب شود و استعدادهایش پایمال شود. اجازه نمی دهد که به خاطر بی اعتنایی به توانایی ذاتی او به حالت تخدیر شده بیفتد و دیگران به سرنوشت او مسلط شوند» (دیدار دست اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰، <https://khl.ink/f/8906>). ایشان دعوا و خصومت نظامات سلطه گر با جمهوری اسلامی را به خاطر همین آرمان مبارزه با سلطه جویان می دانند و تأکید می کنند که «دشمنی دشمنان ما به خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است، در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه گر و سلطه پذیر ایستاده است، بقیه چیزها بهانه است. امروز بهانه مسئله هسته ای، یک روز بهانه حقوق بشر است، یک روز بهانه یک چیز دیگر است، آنها می خواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن کلفت ها و باج بگیریها و زورگویان عالم منصرف کنند، البته این اتفاق نخواهد افتاد... ملت ایران اثبات کرده که بدون تکیه به آمریکا هم می شود پیشرفت علمی پیدا کرد، هم می شود پیشرفت اجتماعی پیدا کرد، هم می شود نفوذ بین المللی پیدا کرد... این را جمهوری اسلامی اثبات کرده و آنها از این ناراحتند» (دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، <https://khl.ink/f/26468>، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱).

۳-۲- استکبار ستیزی

انقلاب اسلامی که برپایه اسلام خواهی، عدالت و مقاومت شکل گرفته، نه تنها هرگز نمی تواند با نظام سلطه که به دنبال استعمار و استکبارند، همدستی مسالمت آمیز داشته باشد، بلکه همواره به دنبال تغییر معادلات حاکم بر جهان یعنی سلطه جو و سلطه پذیر است، همان گونه که در تعابیر مقام معظم رهبری بدان اشاره شده است: «ملت ایران کار بزرگی انجام داد، در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملتهای مستضعف در مناطق فراوانی از عالم، دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سربلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را که حرکت

سلطه گری است و ما از آن تعبیر می کنیم به نظام سلطه، نفی کرد. این کار ملت ایران است، ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه گر و سلطه پذیر است، نفی کرد» (دیدار اعضای ستادهای کنگره شهدای امور تربیتی، شهدای دانشجوی، شهدای هنرمند، <https://khl.ink/f/29033,1393/11/27>). واژه استکبار که در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی به طور مکرر به بهره برداری می رسد، از تعالیم قرآن کریم مایه می گیرد. این واژه که مفهوم آن اظهار علو و برتری در زمین و بر دیگران بزرگی فروختن و خود را قاهر و مسلط دانستن است در آیات مختلف قرآنی و برای نمایاندن ماهیت قدرتهای استکباری در هر عصر و زمان و معرفی خصال و صفات و روحیات و عملکردشان مطرح می گردد: «إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا» (غافر، ۵۶) «نیست در دل‌هایشان مگر تکبر و احساس بزرگی». «فَأَسْتَكْبِرْتُمْ» (جاثیه، ۳۱) «شما استکبار و گردن کشی کردید». این آیات از جمله آیاتی است که به صراحت واژه استکبار را درباره جبهه کفر و شرک و نفاق به کار برده و این خصلت و صفت شیطانی و نفسانی را در همه اعصار و به تمام دشمنان و مخالفان دین مبین حق تعمیم داده است. مقام معظم رهبری، استکبار را آفت بشریت می دانند (دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، <https://khl.ink/f/3661,1387/06/02>). و معتقدند که تعبیر قرآنی استکبار بدین معناست که فرد یا دولتی برای حفظ منافع خود در امور انسان ها و ملت‌های دیگر دخالت کند، حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل باشد، خود را آزاد بداند و به هیچ کس پاسخگو نباشد، استکبار ستیزی نیز یعنی ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت دولت یا انسان استکبارگر برود. (دیدار دانش آموزان دانشجویان، <https://khl.ink/f/24378,1392/08/12>). از دیدگاه رهبری مبارزه با استکبار برخلاف تبلیغات مستکبران، امکان پذیر و دارای آینده است (دیدار جمعی از دانشجویان و دانش آموزان، <https://khl.ink/f/2817,1375/08/09>). همان طور که در قرآن آمده است «... وَ لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه، ۱۲۰) «و ضربه ای از دشمن نمی خورند مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می شود، زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند». جمله «لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا» را غالب مفسران تفسیر کرده اند و گفته اند منظور آن این است که مجاهدان راه خدا هر ضربه ای از دشمن از جراحت و قتل و اسارت و مانند آن ببینند در نامه اعمالشان برای پاداش الهی ثبت خواهد شد و متناسب هر یک اجری خواهند داشت (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ۱۷۳۴)، (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۳، ۳۳۶)، (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۵۲۰). از این رو استکبار ستیزی موجب انزوای هیچ ملتی نمی شود و برعکس عزت

مردم بر اثر همین روح استکبار ستیزی است. (دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۷/۱/۱، <https://khl.ink/f/2879>). امام خامنه ای در رابطه با تکلیف مبارزه با استکبار پس از مذاکرات فرمودند: مبارزه با استکبار و نظام سلطه تعطیل پذیر نیست و بخشی از مبانی انقلاب است یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد ما اصلاً تابع قرآن نیستیم... مبارزه با استکبار تعطیل پذیر نیست، خودتان را برای ادامه مبارزه با استکبار آماده کنید (دیدار جمعی از دانشجویان، <https://khl.ink/f/30255>، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰).

۳-۲- دعوت به خدا و ارزشهای انسانی (صدور انقلاب)

انقلاب اسلامی ایران، با الهام گیری مستقیم از ایدئولوژی اسلامی که داعیه سعادت تمام جهانیان را داراست طبیعی بود که نمی توانست در جغرافیای ایران توقف نماید و می بایست پیام آن به ملل مسلمان همسایه و سپس به همه ملل مستضعف جهان برسد. از این رو صدور انقلاب به عنوان یک هدف فرا ملی از روزهای نخست مورد توجه قرار گرفت (معبادی، ۱۳۸۱، ۶۵). بعد فرا ملی انقلاب اسلامی ناشی از این نکته است که اسلام دینی جهانی و خاتم ادیان است و بدین سان انقلاب اسلامی نیز ارائه دهنده نظام جهانی ویژه خود است (محمدی، ۱۳۸۵، ۸۱). آیات ۲۴ و ۲۵ سوره مبارکه ابراهیم از پر تکرار ترین آیات در کلام رهبر معظم انقلاب است که بیش از ۵۰ مرتبه تکرار شده است. در این آیه شریفه همانند بسیاری از آیات دیگر، خداوند متعال برای بیان منظور خویش از مثل استفاده کرده است «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهیم، ۲۴-۲۵) «آیا ندیدی که خداوند چگونه مثلی زد و سخن نیک را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرد که ریشه اش ثابت و شاخه آن در آسمان است؟ میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد و خدا مثلها را برای مردم می زند شاید که آنان پند گیرند». ریشه های این درخت ثابت (أَصْلُهَا ثَابِتٌ) و شاخه های آن در آسمان است (وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) کنایه از آنکه ریشه های درخت طیبه، ریشه ای عمیق و مستحکم و تند و شاخه های آن نیز شاخ و برگ فراگیر است. درخت طیبه همیشه دارد میوه می دهد، بهار و تابستان و پاییز و زمستان هم نمی شناسد، این برگها و شاخه ها دائم در حال شکوفه دادن است» (دیدار مدیران و مسئولان استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/2544>). در آیه شریفه خداوند متعال «کلمه طیبه» را به مانند درختی دانسته است که طیب و پاکیزه است، یعنی ویژگیهای شجره طیبه را داراست. در

تفاسیر و ویژگی‌هایی برای شجره طیبه بر شمرده اند از جمله رشد و نمو، استحکام و استواری، میوه دار بودن و ثمره داشتن و طیب و پاکیزه بودن، بنابراین به تعبیر قرآن، اگر کلامی این چنین بود یعنی استحکام داشت، ثمر بخش بود، پاکیزه بود و موجب رشد می شد، کلمه طیبه و مصداقی از این شجره طیبه است. «کلمه طیب» اقدام درست، اقدام پاکیزه، اقدام برای خدا، این جور است که این می ماند، در زمین ریشه می دواند، مستحکم می شود و ثمربخش خواهد بود». (دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶، <https://khl.ink/f/26908>).

«کلمه طیبه مثل همین درخت است، همه حقایق درست عالم، کلمه طیبه و کلمات الله اند» (دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش، ۱۳۷۴/۰۷/۰۵، <https://khl.ink/f/2768>). با این تعریف کلمه طیبه، مصادیق مختلف و گسترده ای پیدا خواهد کرد که همه در ویژگی‌های شجره طیبه مشترکند. در میان بیان مصادیق مختلف برای شجره و کلمه طیبه در تعبیر امام خامنه ای، شجره طیبه انقلاب اسلامی از همه چشم گیرتر است و بیش از ۴۰ مرتبه این مسئله تکرار گردیده است. در ادامه ویژگی مهم انقلاب و نظام اسلامی که باعث می شود این پدیده اجتماعی در زمره مصادیق کلمه طیبه قرار گیرد بررسی می شود: یکی از ویژگی‌های درخت طیبه آن بود که شاخ و برگ و وسیع داشته و از حرکت باز نمی ایستد، دائما در حال رشد و نمو است، انقلاب اسلامی، نظامی است که در حال قوی شدن، رشد و بالندگی در عرصه های مختلف است و در کنار تمام توطئه ها، ایجاد یأس و ناامیدی، هیچگاه عقب نشینی نکرده و همواره در حال صدور انقلاب، آرمانهای خود و سوق دادن جامعه انسانی به تمدن نجات بخش آخرالزمان یعنی تمدن نوین اسلامی است. «خدای متعال به سخن حق برکت داده است و برکت می دهد، «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»، ریشه در زمین است اما شاخ و برگها تمام فضا را پر کرده است، قضیه همین است این طور نیست که آنها هر چه می خواهند علیه ملت ایران بگویند، ما هم مثل بعضی از کشورهای دیگر و بعضی از مسئولین دیگر، صم بکم بنشینیم و در جوابشان حرفی نزنیم، نخیر، حرف می زنیم... آن حرفی است که در دنیا به فضل الهی می پیچد و این کار خداست که در دورترین نقاط، حرفها را می گیرند، پیامها را می گیرند، حقایق را می فهمند و افشاگری ها را انجام می دهند. (دیدار مردم بوشهر، ۱۳۷۲/۰۲/۱۸، <https://khl.ink/f/2667>). «نظام جمهوری اسلامی یک جمهوری مثل بقیه دولتها و جمهوری ها و غیر جمهوری های دنیا نیست، یک نظام دارای پیام است. پیام نظام اسلامی پیامی است که ملتهای جهان، تشنه آند فرق می کند با یک کشوری، با یک دولتی، با هر گونه نظام سیاسی که فقط در فکر یک محدوده جغرافیایی است، آن هم با

آدم‌هایی که در رأس آن، آمیخته به شهوات گوناگون بشری. اینجا مسئله، مسئله ی ارزشهاست، مسئله انسانیت انسان، مسئله نجات ملتها از کمند قدرت های مداخله گر و سلطه طلب است. نظام اسلامی ما برای بشریت پیام دارد. همین پیام است که جهانخواران عالم را در مقابل ملت ایران قرار داده است.» (دیدار جمع دانش آموختگان دانشگاه امام حسین(ع)، <https://khl.ink/f/9444,1389/03/3>). این در حالی است که «ما ملتی گمنام و دنباله رو سیاست قدرتهای بیگانه بودیم، ملتی منفعل در مقابل تصمیم گیری دولتهای متنفذ بودیم، یک روز آمریکا، قبل از آن انگلیس، یک روز روس، اما این شجره طیبه ما را به یکی از اثرگذار ترین ملت های عالم و اثرگذار ترین کشور و ملت در این منطقه تبدیل کرد» (هفدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، <https://khl.ink/f/3341,1385/03/14>). «این که می گوییم انقلاب یک وجهه بین المللی و جهانی دارد به این معناست که انقلاب در امور کشورها و ملتها دخالت می کند، انقلاب یک پیام، یک حرف منطقی و یک روش دارد» (سالگرد ارتحال امام خمینی، <https://khl.ink/f/2755,1374/03/14>). لذا «دشمنی آمریکا از بین نخواهد رفت، چون حکومت اسلامی صرفاً ایجاد یک نظام و رژیم جدید در یک کشور نیست، ایجاد یک الگوست، عیب کار برای آمریکایی ها این است (دیدار جمع کثیری از جوانان استان اردبیل، <https://khl.ink/f/8819,1379/05/05>).

۳-۴- وفای به عهد و پیمان

از نظر اسلام، التزام به پیمان و وفای به عهد یک سیاست استراتژیک و بلند مدت است که تحت هیچ شرایطی مجوزی برای نقض آن وجود ندارد. از مجموع آیات و روایات در این خصوص، چنین استفاده می شود، هنگامی که مسلمانان یا حکومت اسلامی با دولت یا مردمانی که مسلمان نیستند با رعایت سایر اصول، معاهده ای را امضا کردند یا با مؤسسات تجاری و خدماتی آنان قرار دادی بستند، جز در صورت تخلف طرف مقابل، نقض آن به هیچ وجه جایز نیست و وفای به آن به حکم عقل و شرع لازم است (منتظری، ۱۳۷۴، ج ۵، ۲۵۸). از جمله معاهدات بین المللی و مهم سالهای اخیر، سند برجام بود که در این خصوص مقام معظم رهبری، صراحتاً و با استناد به آیه ۳۴ سوره مبارکه اسراء پایبندی جمهوری اسلامی ایران به این پیمان را مادامی که طرفهای مقابل به آن متعهد باشند (انفال، ۵۸) اعلام کردند: «... بر جام را لکن اگر طرف مقابل نقض کند که حالا همین طور این کسانی که نامزد ریاست جمهوری آمریکایند، مدام دارند تهدید می کنند که

ما می آییم پاره می کنیم، نقض می کنیم، اینها اگر پاره کردند ما آتش می زنیم. اینکه حالا نقض نمی کنیم متکی است به دستور قرآن «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ» بالاخره یک معاهده ای است انجام داده ایم، نمی خواهیم معاهده را ما به هم بزنیم و آنکه اگر آنها نقض کردند، ما هم نقض خواهیم کرد، این هم متکی است به آیه قرآن: «وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» اگر آن طرف نقض کرد، نقض کن. «فَأَنْبِذْ» یعنی پرتاب کن طرف خودش، رد کن، بنابراین ما تابع اصول قرآنی هستیم. هم در این طرف قضیه، هم در آن طرف قضیه» (دیدار مسئولان نظام، <https://khl.ink/f/33371,1395/03/25>). برخی مفسران نیز وفای به عهد را چه با مسلمانان و چه با کفار و مشرکین واجب می دانند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ۲۵۱)، (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ۵۷).

۳-۵- جهاد با متجاوزان

در این برهه تاریخی، بیشتر نگاه ها به سمت جنگ نرم می باشد، اما ضرورت جنگ سخت و مسلحانه برای حاکمیت تمدن نوین اسلامی بر کسی پوشیده نیست، چنان که می بینیم آیات بسیار زیادی در زمینه دعوت به جهاد و مزمت فرارکنندگان از میادین جهاد در قرآن بیان شده است. امام خامنه ای نیز در بیاناتشان درباره فضیلت و اهمیت جهاد مسلحانه می فرمایند: «کسی خیال نکند که جهاد- همان جهاد مسلحانه را می گوئیم، نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند- تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت های دیگر قابل مقایسه نیست» (دیدار فرماندهان سپاه، <https://khl.ink/f/2726,1373/06/29>). در باب اهمیت جهاد مسلحانه و فضایل غیر قابل مقایسه آن می توان به آیه ای از سوره نساء مراجعه کرد که خداوند می فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۵) «هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد باز نشستند با آنان که با مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود. خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشستگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است». لازم به ذکر است که خداوند جهاد را همواره با عباراتی چون «بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» همراه کرده است مانند (انفال، ۷۲)، (توبه، ۲۰، ۸۱، ۸۸)، (حجرات، ۱۵)، (نساء، ۹۵) و... به این معنا که جهاد جانی و مالی توأمان سبب موفقیت مسلمانان و ایجاد تمدن اسلامی است. در آیه ۹۵ سوره نساء خداوند به

برتری مجاهدان بر افرادی که نتوانستند در جهاد شرکت کنند اشاره می کند. رهبری نیز با الهام از این نوع آیات، به اهمیت جنگ سخت و حاکمیت تمدن اسلامی تأکید دارد. یکی از مسائل مهم جنگ سخت، بحث مقابله با تهدیدات و تعرضات نظامی است، امام خامنه ای در بیانات خود بر تهدیدات نظامی غربیان علیه کشور ما اشاره کرده و بر ضرورت افزایش قدرت دفاعی کشور تأکید می نماید و می فرماید: طرف مقابل با وقاحت تمام ما را تهدید نظامی می کند، آن وقت می گویند جمهوری اسلامی قدرت دفاع را از خود سلب کند، موشک نسازد و غیره، اولاً جمهوری اسلامی ثابت کرده که در دفاع از خود کاملاً مقتدرانه عمل می کند و در مقابل متجاوز و متعرض می ایستد، یکپارچگی کامل دارد، ثانیاً جمهوری اسلامی همیشه خود را آماده نگه می دارد و این آمادگی را حفظ می کند. (دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۰/۰۱/۱۳۹۴، <https://khl.ink/f/29472>). در آیه ای از قرآن مجید که به عقیده بعضی نخستین آیه جهاد است، بیان شده است: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۹)، «به آنها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا قادر بر نصرت آنهاست». سپس خداوند متعال به دنبال این آیه در توضیح همان مطلب می افزاید: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج، ۴۰). «همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز اینکه می گفتند: پروردگار ما الله است». این آیات اشاره به این دارد که اگر کسی یا گروهی آغاز کننده حمله ای به مسلمانان باشد، مسلمانان می توانند برای دفاع از خود، از تمام توان بهره گیرند و خداوند نیز به آن ها چنین اجازه ای می دهد. قرآن کریم در آیه ای دیگر می فرماید: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره، ۱۹۰). در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند نبرد کنید. اگر این نظر را بپذیرید باز پایه جهاد بر اساس درهم شکستن تهاجم دشمن گذارده شده است و هر انسان عاقلی می داند سکوت در برابر تهاجم دشمن خونخوار با هیچ منطقی نمی سازد (مکارم، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ۳۵۱). اینکه امام خامنه ای، دفاع از جمهوری اسلامی را مقتدرانه معرفی کرده و با هر تهدیدی مقابله می کند ریشه در آیات فوق دارد. هم قرآن و هم عقل، دفاع از خویش را حق طبیعی هر فرد و کشوری می داند. بنابراین مقابله با تهدیدات ریشه قرآنی داشته که معظم له بر اساس آن به مقابله با تهدیدات کشورهای مخاصم با جمهوری اسلامی می پردازد (اخوان مقدم و نوبخت گیلوان، ۱۴۰۰، ۴۸).

۳-۶- عزت و سیادت اسلامی

اصل عزت در روابط خارجی حکومت اسلامی، ناظر به جامعیت، کمال و مقبولیت دین اسلام است که خداوند این دین آسمانی را کامل ترین و برترین دین دانسته و به صراحت بر مقبول نبودن دیگر دین ها تأکید دارد. بنابراین دولت اسلامی در روابط خارجی خود نباید به گونه ای سیاست گذاری و رفتار کند که این اصل مخدوش و یا کم رنگ شود (سجادی، ۱۳۸۰، ۱۷۷). امام خامنه ای با استناد به آیه ۱۰ سوره فاطر «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»، «کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست...» معتقدند در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می گیرد (مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/19996>). ایشان با توجه به آیه نفی سبیل «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است» بر این باور است که عزت اسلامی در سیاست خارجی بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی به دست می آید نه باتکیه بر نژاد (دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۸/۰۴/۱۳۷۰، <https://khl.ink/f/2471>). معظم له بر اساس مفهوم عزت در قرآن کریم معتقد است عزت در سیاست خارجی یعنی «تحمیل هیچ کس را قبول نکردن»، به عبارت دیگر معنای عزت این است که در جامعه و نظام اسلامی، در هیچ یک از برخوردهای بین المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود، البته ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است، ممکن است کسی ضعیف باشد اما ذلیل نباشد». (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۰۹/۱۱/۱۳۶۸، <https://khl.ink/f/2259>). با بررسی معنای لغوی عزت و با تدبر در آیات مربوط به عزت، به دست می آید تحلیلی که امام خامنه ای از عزت قرآنی و سپس عزت در سیاست خارجی دارند، بسیار دقیق است و آیات مربوط به عزت نیز مؤید آن است، برای نمونه می توان به این آیه اشاره کرد: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» (صافات، ۱۸۰). در این سوره نسبت های ناروایی که مشرکان به خداوند نسبت می دادند، ذکر شده است، از این رو در پایان سوره می فرماید: «خداوند از این نسبتها منزّه است» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۶۹). می توان گفت کلمه «رب» را بر عزت اضافه کرده برای این است که بفهماند عزت مختص به خداست. پس او مقامی منیع دارد که منیع بودن مقامش علی الاطلاق است، یعنی هیچ عامل ذلتی نمی تواند او را ذلیل کند و هیچ غالبی نیست که بر او غلبه نماید، پس مشرکین که دشمنان حق هستند، نمی توانند او را به ستوه آورند (داوری و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۸، ۱۷۲). بر اساس آیه ۲۶ سوره آل عمران «... تُعِزُّ

مَنْ تَشَاءُ وَ تَدَلُّ مَنْ تَشَاءُ...» عزت و ذلت تنها به دست خدای سبحان است و این توحید افعالی را می رساند نه جبر را. بدون درخواست و اراده خدا، نه ملک و عزتی به دست می آید و نه از دست می رود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ۵۴۶-۵۴۷). با توجه به توضیحات یاد شده می توان گفت همان طور که مقام معظم رهبری با توجه به آیات قرآن، مقصود از عزت در سیاست خارجی را «تحمیل هیچ کس را قبول نکردن» و «ذلیل نشدن نظام اسلامی در عرصه بین المللی» می داند،

۳-۷- مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم

واژه ظلم در متون اسلامی به عنوان یک پدیده ضد ارزشی کلیدی در زندگی انسان ها یاد شده، به همین دلیل قرآن به مسئله ظلم ستیزی و سازش ناپذیری در مقابل دشمن تأکید فراوانی دارد به طوری که آن را از مسئولیت های اجتناب ناپذیر انسان ها معرفی کرده و می فرماید: «...لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹) «... نه ستم می کنید و نه به شما ستم می شود» بنابراین محروم کردن ملتها از استیفای حقوقشان و کشانیدن آنها به راهی که موجب از دست دادن ارزشهایشان می شود، ظلم محسوب می شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۴۲۰، ۳). آموزه های قرآن کریم که همیشه به ضرورت ظلم زدایی و ظلم ستیزی از جامعه بشری تأکید داشته و برای ظلم هیچ گونه جایی در نظام آفرینش قائل نشده، ظلم زدایی را مسئولیت اجتناب ناپذیر انسان دانسته و پذیرش ظلم و تن به ظلم دادن را محکوم کرده است (بقره، ۲۷۹ و ۱۵۶)، (کهف، ۵۹)، (هود، ۱۱۳)، (حدید، ۲۵). از نظر قرآن، امنیت کامل تا زمانی که شرایط غیر عادلانه بر جهان حاکم است و توده های وسیعی از مردم جهان تحت سیطره قدرتهای ظالم و سلطه جو می باشند به نحوی که از حقوق اولیه خود و احراز آزادی، استقلال و حاکمیت بر سرنوشتشان محروم شوند، نمی تواند در جهان برقرار گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ۱۳۳-۱۳۰). «فلذا بر همه مسلمانان جهان واجب و لازم است که پیرو این رهنمون ها به مبارزه با ظلم و استکبار برخاسته و از مواضع آنها اعلان بیزاری بکنند. در همین راستاست که مردم ایران نیز تحت رهبری آیت الله خامنه ای به مبارزه با ظلم و قدرتهای زورگوی دنیا پرداخته و به حمایت از حقوق مظلومین جهان به پا خواسته است. در حال حاضر هم این اصل (ظلم ستیزی و اعلام حمایت از مظلومان و محرومان جهان) با تبعیت از آموزه های قرآنی، به عنوان یک عامل اساسی و جهت بخش در سیاست خارجی حکومت اسلامی درآمد است که بر اساس آن نهضت های آزادی بخش و ضد استعمار و استبداد، در سطح جهانی مورد حمایت جدی سیاسی - اقتصادی دولت اسلامی قرار می گیرند. به عبارتی یکی از اصول اساسی مکتب توحیدی اسلام، حمایت از مظلومان و ستم دیدگان بدون توجه به نژاد، رنگ و دین

است» (لطفی، ۱۳۹۴، ۱۲۳-۱۲۴). مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «قرآن با استکبار و ظلم صریحاً مخالفت می کند. با طغیان و طاغوت، با قدرت مقابله می کند» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶، <https://khl.ink/f/42448>). «ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمی توانیم زیر بار زور و ظلم برویم، نمی توانیم در مقابل ظلم نایستیم. این طبیعت توحید است. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، <https://khl.ink/f/39394>، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵) و در بیاناتی دیگر ضمن اشاره به علت توطئه استکبار علیه نظام جمهوری اسلامی، مواضع خویش را در خصوص حمایت از محرومان و مظلومان عالم صراحتاً اعلام می نمایند: «نظام اسلامی و احکام اسلامی، کمر به دفاع از مظلومین در همه دنیا بسته است، به خاطر همین دیدگاه است که امروز استکبار علیه نظام جمهوری اسلامی توطئه می کند (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، <https://khl.ink/f/2812>، ۱۳۷۵/۰۶/۲۸). «ما همچنان و همیشه مدافع ملت‌های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود... این راه ما و وصیت امام عظیم الشان ما و دستور اسلام ماست و بدان همواره وفادار خواهیم ماند (پیام به گردهمایی فرماندهان پایگاه ها و نواحی مقاومت بسیج <https://khl.ink/f/360>، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲). «ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت، مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد (دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، <https://khl.ink/f/29736>، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶).

۳-۸- وحدت امت اسلامی

«وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه ای که در نهایت، نوید بخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمن، ۵۲) «همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید». هر گز در تفکر دینی، منظور از وحدت، کنار گذاشتن مذاهب‌های دیگر نیست، بلکه وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحد به عنوان یک آرمان نهایی در سطح جوامع و جهان اسلامی خواهد بود: «وَاَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج، ۷۸) (قاسمی و حسینی، ۱۳۹۲، ۳). بنابراین از نظر مفهومی وحدت اسلامی از لحاظ روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم سازی ها، سیاست گذاری ها، برگزیدن روش‌های واحد، بهره گیری از امکانات مشترک و تدابیری می شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی است (فولادی، ۱۳۸۷، ۷۷). امام خامنه ای در بیاناتی ضمن تأکید به دستورات صریح قرآن

در رابطه با وحدت امت اسلامی و بیان ضرورت و اهمیت وحدت مسلمین می فرمایند: «چند نکته را در مورد وحدت مسلمین عرض می کنیم: یک نکته این است که اتحاد مسلمانان یک فریضه قطعی قرآنی است، این یک چیز دلبخواه نیست این را به عنوان یک وظیفه باید نگاه کنیم، قرآن دستور داده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، یعنی حتی در اعتصام به حبل الله هم با اجتماع باید این کار را انجام بدهید. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، این «امر» است دیگر، چرا ما این را به یک امر اخلاقی تبدیل می کنیم؟ این یک دستور است... نکته دوم، وحدت و اتحاد مسلمان ها یک امر تاکتیکی نیست... نه، یک امر اصولی است... اگر مسلمان ها متحد باشند، هم افزایی می کنند و همه قوی می شوند... نکته سوم این است که علت اینکه ما در جمهوری اسلامی بر وحدت مسلمین زیاد تأکید می کنیم این است که فاصله زیاد است... نکته چهارم اینکه تصور نکنیم با اینکه ما هر سال در هفته وحدت دور هم جمع می شویم، سخنرانی می کنیم... وظیفه ما انجام گرفته، نه... لازم است... بحث کنیم، تبیین کنیم، تحریض کنیم، برنامه ریزی کنیم، تقسیم کار کنیم در این زمینه ها، این کار واجب و لازم است که باید انجام بگیرد... و نکته بعدی این است که یکی از هدفهای نظام جمهوری اسلامی که ما تعریف کردیم عبارت است از ایجاد تمدن نوین اسلامی... این کار جز با اتحاد شیعه و سنی امکان پذیر نیست... برای این بایستی همه با هم همکاری کنند» (دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۲/۰۸/۱۴۰۰، <https://khl.ink/f/48891>).

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی امام خامنه ای و آیات قرآن کریم، تطابق و هم خوانی کامل دیدگاههای سیاسی معظم له با آموزه های منبع نور و هدایت را به اثبات می رساند. مبانی فکری ایشان در حوزه **حکومت** و مؤلفه های مهم آن همچون ضرورت تشکیل و اهداف حکومت اسلامی، ولایت مطلقه فقیه و شرایط ولی فقیه، ضرورت تشکیل حکومت در دوره غیبت و جایگاه مردم در حکومت اسلامی، همچنین در حوزه **سیاست خارجی** و مصادیق آن از قبیل نفی نظام سلطه، استکبار ستیزی، دعوت به خدا و ارزشهای انسانی (صدور انقلاب)، وفای به عهد، جهاد با متجاوزان، عزت و سیادت اسلامی، مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم و وحدت امت اسلامی، کاملاً منبعث و نشأت گرفته از کلام وحی و تعالیم والای آن است و این رشد و تکامل در مکتب انسان ساز اسلام، خود گواه عزت و اقتدار رهبر حکیم انقلاب اسلامی، پیشرفت همه جانبه کشور و ملت مسلمان ایران و توطئه ها و هجمه های روز افزون دشمنان و منافقان است. لذا تأسی و اطاعت از مقام عظمای ولایت، امام خامنه ای و معرفی ایشان به عنوان اسوه مقاومت و اقتدار به امت اسلام و جهانیان، جهت تحقق تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی ظهور حضرت حجت (ارواحنا فداه) بر همگان فرض و موجب عزت و سعادت است.

منابع

قرآن کریم

الف) منابع فارسی

- ۱- بشیریه، حسین (۱۳۷۶ش)، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، تهران: نشرنی.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، تفسیر تسنیم، چاپ سوم، جلد سیزدهم، به کوشش حجت الاسلام عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء.
- ۳- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱ش)، ولایت و حکومت، تهران: صبا.
- ۴- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲ش)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: صبا.
- ۵- خمینی، روح الله (۱۳۸۱ش)، تقریرات فلسفه، جلد سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵ش)، لغت نامه، جعفر شهیدی، چاپ اول، جلد سیزدهم، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷- سعادت پرور، علی (۱۳۷۴ش)، سرالاسراء، جلد یکم، قم: منشورات مکتبه التشیع.
- ۸- سعیدی، مهدی (۱۳۹۲ش)، مردم سالاری دینی از منظر آیت الله خامنه ای، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۹- سید باقری، کاظم (۱۳۸۸ش)، فقه سیاسی شیعه: ساز و کارهای تحول در دوران معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۰- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، جلد دوازدهم، تهران: انتشارات اسلام.
- ۱۱- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳ش)، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، جلد پنجم، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۱۳- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵ش)، **بازتاب جهانی انقلاب اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۴- معبادی، حمید (۱۳۸۱ش)، **چالش های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۵- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴ش)، **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، جلد پنجم، نشر تفکر.

۱۶- همتی، همایون (۱۳۷۳ش)، **سنت و سیاست در اسلام**، چاپ اول، آوای نور.

ب) منابع عربی

۱- خمینی، روح الله (۱۳۶۳ش)، **البیع**، جلد دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیون.

۲- زمخشری، محمد (۱۴۰۷ق)، **الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، چاپ سوم، جلد چهارم، به کوشش مصطفی حسن احمد، بیروت: دار الکتب العربی.

۳- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، جلد چهارم، قم: مکتبه النشر الاسلامی.

۴- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، جلد پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵- قمی، علی ابن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، **تفسیر قمی**، چاپ سوم، دارالکتاب.

۶- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، چاپ اول، جلد یکم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۷- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱ق)، **دراسات فی ولایه الفقیه**، چاپ اول، جلد دوم، قم: دارالفکر.

ج) منابع لاتین

۱- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳ش)، **فلسفه سیاسی چیست؟**، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲- ردهد، برایان (۱۳۷۳ش)، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو، ترجمه مرتضی کاخی و اکبر افسری، تهران: آگاه.

د) مقالات

۱- اخوان مقدم، زهره، نوبخت گیلوان، زینب (۱۴۰۰ش)، مبانی قرآنی اندیشه جهادی امام خامنه ای ناظر بر جنگ سخت و نرم، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۲۷.

۲- جواد زاده، علیرضا (۱۳۹۳ش)، تفکیک دو مقام در اندیشه سیاسی: اندیشه سیاسی ثابت و الگوی سیاسی، نشریه معرفت سیاسی، سال ششم، شماره ۲.

۳- حاجی صادقی، عبدالله، بخشیان، ابوالقاسم (۱۳۹۳ش)، مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبه از منظر قرآن، دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهی دینی، سال یازدهم، شماره ۳۱.

۴- حقیقت، صادق (۱۳۸۳ش)، «گزارش جلسه نقد کتاب اندیشه سیاسی صدر المتألهین»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۲۸، ص ۲۹۳-۳۱۳.

۵- داوری، روح الله، دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۸ش)، تبیین مبانی قرآنی اصل عزت با تأکید بر اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۴۹.

۶- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳ش)، «مقدمه مترجم» در لئو اشتراوس، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: علمی فرهنگی.

۷- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰ش)، اصول سیاست خارجی در قرآن، نشریه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵.

۸- شفیعی، احمد، نیک بین، عبدالعزیز (۱۳۹۴ش)، مؤلفه های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۱.

- ۹- صدیق، عبدالله (۱۳۹۱ش)، ولایت فقیه در آیات قرآن، نشریه شمیم معرفت، شماره ۲۳.
- ۱۰- فولادی، محمد (۱۳۸۷ش)، استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۲.
- ۱۱- قاسمی، زهرا، حسینی، سید محمد امین (۱۳۹۲ش)، جایگاه وحدت و انسجام در اسلام با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره ۹.
- ۱۲- لطفی، اسدالله (۱۳۹۴ش)، اصول و مبانی دینی حمایت از جنبش های آزادی بخش در جهان با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۳ و ۲.
- ۱۳- موسویان، سید ابوالفضل (۱۴۰۰ش)، مردم سالاری با نگاه به آیات بیعت در قرآن و سیره معصومان (ع)، فصلنامه دین و دنیای معاصر، سال هشتم، شماره ۲.
- ۱۴- یوسفی مقدم، محمدصادق (۱۴۰۰ش)، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت بر اساس آیات قرآن با تأکید بر دیدگاههای مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، سال بیست و ششم، شماره ۴.

ه) سایتها

- ۱- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech>